

خانه زاد خدا

مردان نام آورد تاریخ جهان را تحت الشعاع شخصیت بزرگ و منام با عظمت خود قرار داده اند گاهی آنچنان بزرگ و بیاعتماد هستند که هر چه زمان از آنها فاصله می گیرد ، قله شامخ و سیود آنان بزرگتر و با مهابتی عظیم تر جلوه میکند .

علی (ع) را مرد بزرگ اسلام که در نظر ماسلمانان ؛ دو مین شخصیت بی مانند جهان انسانی است ، آنینان مقامی عالی و گراقتد دارد ، که جای اینکه تاریخ او را جهانیان معرفی کند ، خود سازنده تاریخ و پدید آورنده جسانی دیگر است ...
خانه جادو شهر «مکه» پاکترین و مقدس ترین مکان روی زمین است و بدست توانای

(بقیه از صفحه قبل) روز دیگر نوشتند: خانعی ازداد گاه تنها یا به جهت درخواست طلاق کرد که چون شوهرش موقعی که میخواهد آب بنوشد استخوان زیر گلویش حركت میکند و این پیش زنه ای دیگر مایه سرافکنندگی او است (۱)
زمانی دیگر در مطبوعات منعکس شد که زنی در آمریکا فقط باین دلیل از محکمه تقاضای طلاق کرد که شوهر او بجای اینکه شبها او را بسینما و گردش ببرد ، مشغول تکمیل تحصیلات خود است و با کاپر می رود (۲)

زنی دیگر در مقام استدلال برآمد و علت تقاضای طلاق خود را از شوهر این طور شرح داد که : چون شوهرم در خواب «خروپف» میکند ، نمیتوانم الودندگی کنم ! (۳) دوو گر چه همانطوریکه گفته شد ، در ابتدای امر ، اعطای حق طلاق بطور تساوی بزن و مرد برای جلوگیری از خود کامگی و سوءاستفاده مردان بود ولی تدریجاً نیاید که خود وسیله سوء استفاده و خود کامگی زنان ، و یکی از مشکلات و ابلاهای بزرگ اجتماع گردید و لذا در گوشه و کنار سر و صدای اعتراض افراد دلسوز و خیر خواه علیه وضع موجود ، بلند شد ، نویسندگانمانند «لوسون» بعنوان اسلام خطر نوشتند : هر کسی که اندک مایه ای اربش دوستی در او باشد از این وضع موحش آمار طلاق در رنج بوده و در فکر علاج است ، چیزی که بیشتر قابل نظر و دقت است آنکه هشتاد درصد این طلاقها به تقاضای زنان واقع شده و میشود و از افزایش طلاق را نیز نباید از هم بیجا جستجو کرد و بالاخره حتماً آنرا محدود کرد (۴) .

(۱) طلاق و تجدد (۲ - ۳) طلاق و تجدد (۴) حقوق زن در اسلام ص ۲۳۰

ابراهیم خلیل قهرمان تو خرید و فرزندش حضرت اسمعیل بنا شده و از آنجا ندای تو حید و یکتا برستی
جهانیان ابلاغ گردیده است .

«خانه خدا» از زمان حضرت ابراهیم تا روزگار پیشمیر اسلام همواره مورد احترام مردم شبه جزیره عربستان بود ، و از آنروز تا کنون قبله مسلمانان جهان و زیارتگاه ملیونها مسلمان است .

مطابق نوشته مورخین شیعه و گروهی از دانشمندان اهل تسنن علی (ع) در روز سیزدهم ماه رجب بطرز بی سابقهای در خانه خدا متولد گردید .

ناظرانی که در بیامون و کعبه بودند ، دیدند که عمر ابرو طالب ، بزرگه قریش ، بدرگاه خداوند میثاق و نوا را حقی خود را از در دزائیدن بزبان میآورد و از خدا میخواهد که مشکل کار او را آسان گرداند. در این لحظه حسلسر ناگهان دیوار کعبه ، بطرز «معجز آسانی از هم باز شد و آن بانوی محترم وارد حرم گردید ، و همسر ابرو طالب در حرم خانه خدا با آرامش خاطر کودکی نام آور خود را آزاد .

یکی از شعرای معاصر میگوید :

شهنشاهی ، بزرگی ، نامداری

سعدی آسا ، جهان آفرینش

ز بعد قرنها؟ گمیتی هنر کرد

بدرها بعد از این هر گر نیبندد

فری بر مادر نیکو سرشتش

سازد بخود و نوزاد سعادت مندش

همان خانه خدا بود ، روز چهارم آن شیر زن در حالیکه

نوزاد خود را در آغوش داشت ؛ با کمال حجب و حیا از کنار مردمی که اجتماع کرده بودند تا

انذار رفتن در گشتن شگفت آور و همچنان انگیز وی بدرون خانه خدا سر در آوردند ، گذشت و

بجای خود رفت .

نوزاد بلندقدتر تا این لحظه هنوز چشم باز نکرده بود ، ولی همینکه پسر عم بزرگوارش

و محمد بن عبدالله ، که اینلنسی سال از سن گرانقدرش میگذشت ، برای تبریک ولادت او بخانه .

اش آمد ، نوزاد در بر را در آغوش گرفت که صورت زیبای او را ببوسد ، بیکبار دیده بروی

پر نور آنحضرت که در آستانه نیل به قاصد شامخ رسالت و پیامبری بود ؛ گشود !

محمد (ص) نیز نامش را دعای گذارد و بدینگونه راز بزرگ آفرینش ، با تشریفات

مخصوص وطنی شرایط خاصی قدم بصحنه پهنآور جهان نهاد و بگفته «میرداماد» فیلسوف

بر درگاه شیعه :

اسدالله در وجود آمد

در پس پرده آنچه بود آمد



گاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

علی علیه السلام مجموعه کمالات بشری ، و نمونه‌های انسانیّت ، و سراسر لوحه ملکات فاضله یک انسان کامل بود . پدرش ابوطالب ، درست‌ترین لحظات زندگی رسول اکرم (س) به حمایت از آنحضرت برخاست . پیغمبر خدا نیز در سنین کودکی در آغوش گرم و پر مهر ابوطالب و همسرش یعنی پدر و مادر علی (ع) پرورش یافت و بازندگیشان آنها خو گرفت .

اهمیت وجود پدر و مادر علی (ع) در پرستاری و حمایت از پیغمبر بزرگه اسلام تا آنجا بود ، که وقتی ابوطالب در مکه وفات یافت ، پیغمبر (س) با پای برهنه و دیدگانی اشکبار بیکر بی روح او را مشاهده می کرد و بی دردی می گفت : چه خوب پشتیبانی برای من بودی !

و چون علی (ع) در مدینه خبر مرگ مادرش را به پیغمبر داد ، سخت اندوهگین شد ، و فرمود : او مادر من بود پس پیراهن خود را به و علی ، داد که مادرش را در آن کفن کند ! در سالی که قحط و غلای سایه شوم خود را بر شهر مکه افکنده بود : چون ابوطالب عاقله مند بود و پیغمبر در نتیجه ازدواج با و خدیجه ، بانوی ثروتمند قریش در آسایش بسر میبرد ؛ برای کمک به ابوطالب و علی ، رابطه خود برود و متقابلاً پرستاری و پذیرائی او را عهده گرفت علی (ع) نیز در سایه عواطف سراسر و محبت‌های بیکران پیغمبر و خدیجه نشوونما یافت . علی در خانه پیغمبر بود که آنحضرت بمقام عالی نبوت رسید ، و او که که در ده سالگی پیش بود نخستین کسی بود ، از مردان که بدین اعلام و رسالت آنحضرت ایمان آورد !

علی (ع) تحت راه مائی پیغمبر خدا : آداب زندگی ، پرورش شخصیت و راه را برای پی‌ریزی یک زندگی شرافتمندانه و عالی انسانی که سراسر حقیقت داستی و درستی ، عدالت و امانت ، خودسختی ، جوانمردی و مدارکاری ؛ رحیم و انصاف ، زهد و سستی ، و بالاخره تمام اوصاف عالی بشری و مزیای اخلاقی در آن نمایان باشد ؛ بشوعلی و عملی از آنحضرت و در خاستگی آموخت .

هنگامیکه بیست و سه سال پیشتر نداشت با دختر و الا گهر پیغمبر حضرت زهرا را بانوی بانوان جهان ازدواج نمود .

نصرت این ازدواج چهار فرزند با شخصیت بود که تا جهان باقی است ؛ آثار وجودی آنان پایدار خواهند ماند .

روح بلند پرواز علی (ع) نمیتوانست اسیر تنگنای این جهان باشد ؛ و در لحظه عالم و سبتری را جستجو مینمود هنگامیکه در شهر انبار ، در گان ایران در برابرش سجده نمودند ؛ بخشم آمد و آسب پیاده شد و آنهارا سرزنش کرد که چرا بیاد زمان خسرو پرور برود کرد ؛ در برابر بشر خاکی سرفرد می آورند و فرمود : سجده فقط شایسته ذات بی‌زوال خداوند است !

(بقیه از صفحه ۳۴)

فرماندار «بصره» مینویسد: شنیدم گروهی از جوانان بصره شیافتی بافتخار تو دادند و غذامای رنگارنگ و قدحهای پر از ضمَام دست بدست بسوی تو میآوردند، گمان نمی کردم فرماندار من در شیافتی شرکت جوید که اغنیا دعوت شوند ولی فخرای آنان گرسنه باشند!

با اینکه غذایش غالباً از نان و کمی نمک پاسر که واحیا نامقداری شیر تجاوز نمیکرد، و هیچگاه سیر از سرسره بر نخوast، مهیادار آخرهای شب که از رسیدگی یا مور مملکتی و عبادت و دستگیری بی نوابان و یتیمان فراغت مییافت و میخواست اجتهای بیاساید، میگفت: آه! چگونه فرزند ایمنالبا مشب باشکم سیر بخوابد، و در اطراف کشور اسلامی زن شوهر مرده یا طفل یتیمی باشکم گرسنه سر بر زمین گذارد؟!

هنگامیکه با خدا راز و نیاز میکرد، یا نماز میگزارد، یا قرآن میخواند چون خود را در برابر عظمت دستگاه خلقت و جلال خداوند میدید؛ بر خود میلرزید و سرشک از دیدگان فرو میریخت و گاهی بکلی از خود بیخود میشد!

هیچگاه در میدانهای جنگ روی از انبوه سپاه دشمن بر ستافت، تمام مبارزان خود را پخاک هلاک افکند؛ و به هنگام حملات سردانه اش مغرور فشرده دشمن را از هم میشکافت و صدای رعد آسایش دل جنگاوران را زحامیکند و ارکان آنها را درهم میکشد در آغاز خلافتش حاضر نشد معاویه ابن ابی سفیان بحکومت شام باقی بماند، و در پاسخ کسانیکه با حضرت تذکر میدادند که از شرارت و کار شکنی های معاویه بر حذر باشد، فرمود: حتی برای يك لعنه منم نمیتوانم ناظر حکومت افراد فاسد بر جامعه اسلامی و بندهگان خدا باشم، هر چند بزبان خودم شام شود!!

موقع سخن گفتن حاجی و سخن علی (ع)، قضا حیرت انگیز و بلاغت کلام و عمق معنی و طنین صدای گیرایش چنان بود که تاریخ عالم، سخنوری چون او را بخاطر ندارد.

بصدیق دوست و دشمن امام علوم اسلامی از وی سرشسته گرفتار است و سایر افراد مسلمین رهین منتهای (ع) باب مدینه علم یتیمند.

علی علیه السلام بار اعنائیها و رهبری شایسته خود ارکان اسلام را از تزلزل حفظ کرد و آئین خدا و کتاب آسمانی قرآن معجز را جان نکه معظور خدا و پیغمبر بود در سخت ترین شرایط به بهترین وجه محافظت نمود. با این فضائل و سوابق درخشان چگونه ممکن است عنکبوت زمانه بر دوشیمان و فراموشی بر روی وجود او نظیر علی و سعادت و جمال بر حسته او بنند؟!

از خلیل بن احمد دانستند معروف پرسیدند علی (ع) را توفیق کن گفت: چه بگویم در باره شخصی که دشمنانش پیوسته سعی در پنهان کردن فضائل او نمودند، و دوستان از ترس، فضائل او را کتمان کردند، مع الوصف آنقدر فضائل او در جهان منتشر شد که سراسر آفاق کبوتر را گرفت!